**جنبه­های فقهی-حقوقی رابطه جنسی منتهی به تولید انسان ناقص­الخلقه**

**رحیم نوبهار[[1]](#footnote-1)**

1. تولید و تکثیر نسل معیوب و ناقص­الخلقه به لحاظ اخلاقی موجه نیست. همان گونه که ایراد بی­دلیل درد و رنج به یک انسان زنده نارواست، تولید نسلی که زندگی برای او دردآور است نیز اخلاقاً نارواست.

2. شارع مقدس اسلام به کم و کیف نسل انسانی اهتمام دارد؛ خداوند متعال، هم شمارگان معقول افراد انسانی را مورد نظر دارد و هم قوت، استواری، توانمندی و سلامت آن­ها را؛ تا آن جا که از دیرباز متکلمان اسلامی یکی از دلایل بعثت پیامبران را حفظ نوع انسانی برشمرده­اند. به همین ترتیب آموزه­های دینی از ازدواج­هایی که نتیجه آن تولید نسل ضعیف باشد نهی نموده است.

3. ناروایی اخلاقی تولید نسل ناقص­الخلقه و ناخرسندی شارع مقدس از تولید چنین نسلی سبب می شود تا جامعه بتواند در زمینه تولید نسل معیوب و ناقص­الخلقه از ضمانت اجراهای حقوقی استفاده کند. در باره مبنای مسئولیت جامعه در برابر و در باره فردی که هنوز لباس وجود به تن نکرده است، البته می­توان مبانی و بنیادهایی متفاوت را طراحی کرد. ظاهراً برای این که فرد انسانی متعلق حق و تکلیف قرار بگیرد؛ یعنی دارای حق­هایی باشد و دیگران هم در باره او مسئولیت داشته باشند، حیات بالفعل لازم نیست. بلی اهلیت استیفا و پیگیری حق­ها به حیات بالفعل بستگی دارد. در حق های بشری نسل سوم هم عمدتاً بر حق­هایی تأکید می­شود که مربوط به آیندگان است، آیندگانی که هنوز به وجود نیامده­اند.

4. از چشم­اندازی دیگر می­توان گفت: دولت نسبت به انسان موجود مسئول است و دارای وظایفی است. این مسئولیت می­تواند به دولت حق بدهد تا در زمینه چند و چون نسلی که بناست در آینده موجود شود، تصمیماتی را بگیرد؛ مانند این که دولت بسته به وضعیت منابع طبیعی و اجتماعی جامعه، سیاست­های جمعیتی را تنظیم می­کند.

5. یکی از جلوه­های حقوقی مداخله دولت در زمینه تولید نسل، الزام زوجین به انجام آزمایش­های پیش از ازدواج است. کشورها در باره این اقدامات رویه و سیاست یکسانی ندارند. حتی در آمریکا هم، همه ایالت­ها در این باره سیاست یکسانی ندارند. این به دلیل ابهام در مسئولیت دولت و شک در مشروعیت مداخله دولت در آزادی­های افراد است. به نظر می­رسد الزام زن و مرد به انجام آزمایش­های پیش از ازدواج از موارد موجه و مشروع تحدید آزادی فرد است. مصلحت تولید نسل سالم و قوی، مصلحت مهمی است که این اندازه تحدید و تقیید در آزادی افراد را تجویز می­نماید.

6. آیا ترک آزمایش­هایی که انجام آنها به پیشگیری از تولید نسل ناقص الخلقه کمک می کند را می­توان جرم­انگاری نمود؟ به طور کلی فیلسوفان حقوق جزا برآنند که اصل ضرر مبنای مناسبی برای مداخله جرم­انگارانه است. رفتار مضر به دیگران احتمالاً می­تواند مبنایی برای جرم­انگاری باشد. با این حال این ابهام وجود دارد که در این فرض ضرر بالفعلی وجود ندارد؛ البته ترک آزمایش­ها یا حتی تدلیس و تقلب در نتایج آن­ها در شرایطی که سبب ورود ضرر به یکی از طرفین رابطه جنسی شود، موضوع است؛ چه در این فرض، پای ضرر شخصی در میان است که با رعایت اصل "جرم­انگاری همچون آخرین چاره" در مواردی می­توان بدان روی آورد.

7. اگر اصل مداخله دولت در زمینۀ وضع الزاماتی به منظور پیشگیری از افراد ناقص­الخلقه را بپذیریم؛ این پرسش مطرح می­شود که: چه میزان احتمال تولید نسل ناقص­الخلقه می­تواند مجوز الزام طرفین به آزمایش یا اقدام مشابه آزمایش باشد؟ قدر مسلم این است که هر گونه احتمالی هر چند ضعیف نمی­تواند مجوز الزامی کردن آزمایش و تحمیل هزینه به فرد و یا منابع عمومی باشد. احتمال باید معقول و پیشگیری از آن، باید متعارف باشد. این امر البته از زمانی به زمان دیگر و از جامعه­ای به جامعه دیگر متفاوت خواهد بود.

8. آیا معلولان در مواردی می­توانند نسبت به پدر و مادر طبیعی خود یا والدین قانونی و شرعی خود نسبت به تولید آن­ها در فرض علم به تولد انسان ناقص­الخلقه یا ظن و اطمینان متعارف ادعای حقوقی مدنی یا کیفری کنند؟ طرح ادعای کیفری البته مستلزم جرم­انگاری قبلی وجود قانونی است که رفتار را جرم­انگاری کرده باشد. اما در باره ادعای مدنی مطالبه ضرر و زیان با مشکلاتی مواجه است. این مشکلات در باره هر یک از ضرر و زیان مادی و معنوی قابل تصور است. برابر اصول و مبانی فقهی و حقوقی این راه کاملا بسته به نظر نمی رسد.

1. . پژوهشگر حوزوی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، خلاصه مقاله برای همایش علمی-تخصصی نوآوری­های قانون حمایت خانواده و بررسی تحلیل جایگاه حقوق زن در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی، دانشگاه پیام نور ماهدشت، 30 اردیبهشت / 1394. [↑](#footnote-ref-1)